

Failure of Development Programs in Kurdistan Province of Iran (1949-1973)

Seyed Asghar Aghamirzaee¹ | Manizheh Sadri² | Ismail Hassanzadeh³ | Mansoor Heyderi⁴

Abstract:

Purpose: To investigate social and economic development programs undertaken in Kurdistan province over the course of 25 years.

Method and Research Design: Archival documents and library materials were consulted to gather data for this study.

Finding and Conclusion: Five development did not achieve goals. By the end of the 4th development plan literacy rate in Kurdistan remained 22% in rural and 52% in urban areas. With regard to medical services, access to clean water, public spaces in urban areas, roads, telecommunications, balanced development of industry and agriculture, living standards Kurdistan were poor. However, the plans caused change in the relation between the government and citizens. Through educational and economic programs, the regime increased its influence in rural areas and made the population more dependent.

Keywords: Development plans; economic development; social development; Kurdistan province (1949-1973).

Citation: Aghamirzaee, Seyed Asghar, Sadri, M., Hassanzadeh, I., heyderi, M. (2020). Failure of Development Programs in Kurdistan Province of Iran (1949-1973). *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 80-103. doi: 10.22034/ganj.2020.2578

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student of History, Department of History, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, I. R. Iran
aghamirzaee711@gmail.com
 2. Assistant Professor, Department of History, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, I. R. Iran, (Corresponding Author)
msadri@iaushab.ac.ir
 3. Associate professor, Department of History, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran
ihassanzadeh111@gmail.com
 4. Assistant Professor, Department of Education, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, I. R. Iran
mansoor.hidary@yahoo.com
- Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2578

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 80- 103 (24) | Received: 16, Jan. 2019 | Accepted: 28, Apr. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

ناکامی برنامه‌های توسعه در استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲)

سیداصغر آقامیرزایی^۱ | منیژه صدی^۲ | اسماعیل حسن‌زاده^۳ | منصور حیدری^۴

چکیده:

هدف: بررسی تغییرات اجتماعی و اقتصادی بعد از اجرای برنامه‌های توسعه برنامه‌محور در استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲ ش).

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌های این پژوهش از مدارک آرشیوی و کتابخانه‌ای به دست آمده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اهداف پیش‌بینی شده از اجرای این برنامه‌ها محقق نشد. از جمله در پایان اجرای برنامه چهارم توسعه در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی کردستان، میزان باسواد در روستاها به ۲۲ درصد و در شهرها به ۵۲ درصد رسید. با بررسی این برنامه‌ها در زمینه‌های بهداشت و درمان و خدمات پزشکی، آب آشامیدنی، ایجاد فضای شهری، شبکه ارتباطات (راه‌ها، مخابرات)، و رشد متوازن بین صنعت و کشاورزی، و بهبود و ارتقای استانداردهای لازم برای زندگی، اقداماتی که به تحولات بنیادین منجر شود و چهره استان کردستان را تغییر دهد دیده نمی‌شود؛ ولی در نمای کلی اجرای برنامه‌ها سبب تغییر در رابطه دولت و شهروندان شد و با اجرای برنامه‌های آموزشی و اقتصادی، حاکمیت نفوذ خود را در میان روستاییان افزایش داد و آن‌ها را به خود وابسته کرد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌های عمرانی، راه و ارتباطات؛ تغییرات اقتصادی و اجتماعی؛ استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲ ش).

استناد: آقا میرزایی، سید اصغر، صدی، منیژه، حسن‌زاده، اسماعیل، حیدری، منصور. (۱۳۹۹). ناکامی برنامه‌های توسعه در استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲). *گنجینه اسناد*، ۳۰(۳)، ۸۰-۱۰۳. | doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۵۷۸

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
aghamirzaee711@gmail.com
۲. استادیار تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
msadri@iaushab.ac.ir
۳. دانشیار تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
ihassanzadeh111@gmail.com
۴. استادیار گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی، همدان، ایران
mansoor.hidary@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰.۲۵۷۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۸۰-۱۰۳ (۲۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۸

مطالعات تاریخی

۱. مقدمه

پژوهش علمی در زمینه تاریخ تحولات اجتماعی کردستان در دوره پهلوی، بسیار اندک است. آثار پژوهشی درباره استان کردستان بیشتر مربوط به جنبش‌ها و اتفاقات ریزودرشت سیاسی و نظامی است. با وجود این که ریشه بسیاری از رویدادهای سیاسی و نظامی در تحولات اجتماعی نهفته است، ولی این موضوع در تاریخ‌نویسی کردستان مغفول مانده است. نبود مراکز معتبر علمی پژوهشی و دانشگاهی یکی از دلایل کم‌رنگ بودن پژوهش در زمینه تاریخ اجتماعی اقتصادی کردستان است. مهم‌ترین منبع ما در پژوهش حاضر اسناد آرشیوی است. دانستن این که تا ۱۳۴۵، تنها چهار کتاب‌خانه در استان کردستان وجود داشته است و تا ۱۳۵۲ دانشگاه و مرکز صنعتی و تولیدی مهمی در آن وجود نداشته است و دغدغه اصلی مردم بزرگ‌ترین شهر آن (سنندج) آب‌لوله‌کشی بوده است، به فهم تحولات سیاسی کمک خواهد کرد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره کردستان بیشتر در زمینه تاریخ سیاسی و نظامی انجام شده است.^۱ تنها منبع مربوط در زمینه تحولات اجتماعی کردستان مقاله مختاری و همکارانش است (مختاری و دیگران، ۱۳۹۶، صص ۶۴-۸۱). این مقاله به بررسی تحولات جمعیتی و دگرگونی کیفی آموزشی و جنسی شهر سنندج در بازه زمانی ۱۳۲۰-۱۳۵۷ش پرداخته است. محدوده جغرافیایی مقاله مختاری به شهر سنندج محدود است؛ ولی پژوهش حاضر به کل استان پرداخته و تمرکز آن بر مؤلفه‌هایی متفاوت از مؤلفه‌های مقاله مذکور است.

دهه سی و چهل شمسی آغاز دوره نوسازی و رشد شهرنشینی در استان کردستان محسوب می‌شود. کردستان در تقسیمات سیاسی کشور، در ۱۳۳۷ از فرمانداری کل به استانداری ارتقا پیدا کرد؛ ولی ارتقای جایگاه کردستان در تقسیمات کشوری با توسعه همه‌جانبه آن همراه نبود و نتوانست امکانات بیشتری برای تغییر ساختارهای بنیادین آن جذب کند. درآمد سرشار نفت و وام‌های خارجی در دهه چهل، پشتوانه اجرایی برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی محمدرضاشاه بودند. در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱-۱۳۴۶) کشور از نظر الگوی برنامه‌ریزی موقعیتی متفاوت پیدا کرد؛ زیرا برنامه سوم توسعه اولین برنامه پنج‌ساله عمرانی بود. شاخص بارز برنامه سوم توسعه اجرای انقلاب سفید بود. برنامه‌های توسعه می‌بایست در جهت اهداف «انقلاب شاه و مردم» صورت می‌گرفتند. در کردستان هم مانند سایر استان‌های ایران انتظار می‌رفت که برنامه‌های توسعه عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرا شوند و نمودهای عینی خود را به نمایش بگذارند.

۱. در این باره نگاه کنید به: قزاز، رمزی. (۱۳۸۱). تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی بر جنبش‌های سیاسی و فرهنگی کرد: از اواخر سده نوزدهم تا اواسط سده بیستم. (مسعود ایزدی، مترجم). تهران: آزاداندیشان؛ کله‌ر، محمد. (۱۳۸۳). زمینه‌های تاریخی بحران سیاسی در کردستان (از مشروطیت تا پایان جنگ جهانی اول). تهران: آناه جلالی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۷۲). کردستان: علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸-۱۳۷۰. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات؛ زکی، محمدامین. (۱۳۶۵). کرد و کردستان. (دفتر تحقیقات و بررسی‌های سیاسی استانداری کردستان، مترجم). (بی‌جا): (بی‌نا).



۳. پرسش پژوهش

مهم‌ترین پرسش مقاله حاضر عبارت است از: اجرای برنامه‌های چهارگانه توسعه تا چه اندازه موجب تحولات بنیادین در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی در استان کردستان شد؟

۴. پرسش‌های فرعی

تحولات اجتماعی صورت گرفته در استان کردستان، از نظر کمی و کیفی به چه میزان بوده است؟
تحولات اجتماعی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۲ چه تأثیری در تغییر سیمای شهری در کردستان داشت؟

برنامه‌های اقتصادی چه تأثیری در تحولات بنیادین در کردستان داشت؟
این مقاله بر آن است تا تحولات اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته در کردستان بعد از اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی را در زمینه‌های (عمرانی، بهداشتی، مدیریت شهری، توسعه و بهبود راه‌های ارتباطی، گسترش آموزش عمومی، بالابردن سطح استانداردهای زندگی، و کشاورزی مکانیزه) ارزیابی کند.

۵. برنامه‌های توسعه اقتصادی و تحولات عمرانی

در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه برنامه‌های توسعه سوم تا پنجم و براساس چشم‌انداز انقلاب شاه و مردم، پروژه‌های عمرانی و زیرساختی مانند ایجاد راه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها پارک‌ها، و موارد مشابه به توسعه کالبد شهری منجر شد. این برنامه در روستاها با توزیع زمین‌های کشاورزی، گسترش شبکه ارتباطی راه‌ها، کشاورزی مکانیزه، بهداشت عمومی، و آموزش رسمی، همراه بود. نوسازی سبب تغییر اساسی در ساختار اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم می‌شود. جنبه‌های اصلی نوسازی، شهرنشینی، صنعتی شدن، دموکراسی، تعلیم و تربیت، و مشارکت رسانه‌ها در فرایند توسعه است (علم، ۱۳۹۳، ص ۵) که در نهایت به افزایش جمعیت در شهرها می‌انجامد و این افزایش جمعیت نیز می‌تواند در سرمایه‌گذاری عمرانی بیشتر دولت و بخش خصوصی در یک منطقه مؤثر باشد. در نوشتار حاضر، برای عینی‌ساختن پژوهش، تحولات عمرانی، اقتصادی و اجتماعی را در چند محور زیر از جمله راه‌های ارتباطی و خیابان‌سازی، آسفالت، فضاسازی، بهبود استانداردهای زندگی، گسترش آموزش و پرورش رسمی، و بهبود بهداشت و درمان بررسی کرده‌ایم.

از سال ۱۳۰۱ برای ساخت راه و بهره‌برداری از آن سازمانی بانام «اداره‌کل طرق و شوارع» در وزارت «فلاحت و تجارت و فوائد عامه» تشکیل شد. پیش از این دوره راه‌های ارتباطی کشور محدود بود. از این سال با دعوت از مهندسان و متخصصان راه‌سازی، احداث راه‌های شوسه برای حمل‌ونقل وسایل نقلیه آغاز شد. در این دوران عمده برنامه‌های دولت در بخش راه‌سازی در راه‌های بندر انزلی، قزوین، همدان، کرمانشاه و قصر شیرین متمرکز بود (احتشامی، ۱۳۸۱، ص ۲۷). در ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ با تصویب لایحه‌ای در مجلس، دریافت باج راه در «راهدارخانه»ها ممنوع شد و مقرر شد از وزن غیرخالص صادرات و واردات کشور مالیاتی به نام مالیات راه دریافت شود و به این ترتیب میزان اعتبار سالانه برای راه‌سازی به پانزده میلیون ریال رسید. در اواخر اسفند ۱۳۰۸، قانون تأسیس وزارت طرق و شوارع در مجلس تصویب شد. با تأسیس وزارت طرق و شوارع کار راه‌سازی در ایران گسترش یافت. در ۱۳۱۵ ش نام این وزارت‌خانه به وزارت راه و بعدها در ۱۳۵۲ به وزارت راه و ترابری تغییر یافت (احتشامی، ۱۳۸۱، ص ۲۸).

ایجاد ارتباط بین شهرستان‌ها و مراکز استان از وظایف اصلی وزارت راه بود. تا پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۵۲) حدود ۵۶,۰۰۰ کیلومتر راه آسفالت‌ه و ۱۱,۰۰۰ کیلومتر راه روستایی در کشور ساخته شد (پیشرفت‌های ایران در دوران برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶، ص ۴)؛ ولی سهم استان کردستان در بخش راه روستایی و مناطق مرزی (به ویژه روستاهای مناطق مرزی) در حد صفر بود و راه‌های این استان همچنان مال‌رو باقی ماندند. در زمینه راه‌های ارتباطی شهرستان‌های استان با سنندج و سایر استان‌ها وضعیت ناامیدکننده بود. از جمله، راه‌های ارتباطی سنندج-همدان، سنندج-سقز، بیجار گروس به استان همدان، بیجار گروس به زنجان و بیجار گروس به تکاب در آذربایجان غربی، سقز به بانه و سقز به مریوان هم‌چنان شوسه باقی ماندند. در زمینه پل‌سازی هم فقط پل ارتباطی سنندج-کرمانشاه بر روی رودخانه قشلاق، پل صلوات‌آباد بر روی رودخانه قزل‌اوزن، پل ارتباطی دیوان‌دره-سنندج و پل‌های ارتباطی همدان-سنندج ساخته شدند.

۶. راه و راه‌سازی در کردستان

راه همواره مهم‌ترین مسئله عمرانی استان کردستان بوده است (ساکما، ۲۹۰/۸۳۳۰)؛ چون به علت کوهستانی بودن و رودخانه‌های پرآب، راه‌سازی در این استان همیشه با مشکل همراه بوده است. پیش از اجرای برنامه‌های توسعه، راه‌های بین‌شهری در کردستان شوسه و کم‌عرض و فاقد زیرسازی حداقلی بودند؛ اکثر روستاها هم راه فرعی نداشتند. طبق نامه شماره ۴/۱۷۷/۱۲/۱۳۳۷، هیئت دولت پس از ماجرای فرقه دموکرات، برای جلوگیری



از شورش و رفع احتمالی نیازمندی‌های ضروری و حیاتی استان هیئتی مرکب از کارمندان عالی‌رتبه چند وزارتخانه از جمله راه را برای تهیه گزارشی مستند به کردستان اعزام کرد. این هیئت با بازدید از شهرستان‌های مختلف کردستان گزارشی محرمانه از وضعیت و نیازهای منطقه تنظیم کرد. طبق گزارش «هیئت بررسی بهبود امور مناطق کردنشین از تاریخ ۱۳۳۷/۲/۷ تا ۱۳۳۷/۳/۱۵» بهترین راه این استان راه سنندج-همدان بود که سالی چهار ماه در گردنه معروف صلوات‌آباد مسدود بود. راه‌های بین شهری کردستان، برای مقاصد نظامی ساخته شده بودند و کیفیت لازم را نداشتند. طبق همین گزارش بدون احداث راه هیچ‌گونه نقشه اصلاحی‌ای در کردستان عملی نبود. منوچهر اقبال، در نطق خود در مجلس شورای ملی تأکید کرد: «در کردستان چیزی که جالب توجه است و بایستی رسیدگی بشود اول موضوع راه‌ها است» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، ج ۲۱۳، مورخ ۱۳۳۷/۴/۱۰). در واقع، به دلیل کوهستانی بودن استان کردستان عبور و مرور در آن دشوار بود و نبود یا خرابی جاده یکی از علل توسعه نیافتگی این استان بود. راه‌های بین شهرها و روستاها آسفالت نبودند. با وجود اهمیت اقتصادی جاده بانه به سقز، تنها ۶۰ کیلومتر از این راه شوسه بود. دو رشته راه برای ارتباط با مرکز استان کردستان و روستاهای سنندج و کامیاران اهمیت اقتصادی زیادی داشتند. این دو راه حدود ۸۰ الی ۱۰۰ آبادی را با جمعیت تخمینی ۱۰۰ هزار نفر شامل می‌شدند. اولی کامیاران را از طریق پلنگان به پایگلان و بیساران و سرهویه به آویهنگ و از آنجا به تودار در راه اصلی مریوان به سنندج وصل می‌کرد. دومی کامیاران را از طریق پلنگان به پایگلان و ژنین و آریان به دوآب در همان راه اصلی می‌رساند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳).

امین آزاد - استاندار کردستان - در تاریخ ۱۳۴۱/۹/۱۱ طی نامه‌ای از مدیرعامل سازمان برنامه خواست تا ده میلیون ریال اعتبار برای مرمت ۱۵۸ کیلومتر راه و ساخت ۲۰ کیلومتر راه در کردستان تصویب و اعلام کنند تا در سه‌ماهه آخر همان سال عملیات اجرایی آن به صورت امانی و با نظارت سازمان عمران کردستان انجام شود. براساس گزارش نمایندگان اعزامی، هزینه ترمیم راه به‌طور متوسط کیلومتری (۴۰) هزار ریال و هزینه ساخت راه کیلومتری (۲۰۰) هزار ریال برآورد شد (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۱۹).

در برنامه سوم عمرانی، بیست قطعه راه فرعی به طول ۷۵۳ کیلومتر برای کردستان مصوب شد؛ که تا سال ۱۳۴۵ حدود ۶۶ درصد (سیزده قطعه به طول ۵۰۲ کیلومتر) از آن اجرا شد. مهم‌ترین موضوع در پروژه‌های عمران روستایی، راه فرعی بود که طول آن در کردستان تا سال ۱۳۴۲، برابر ۴۲۸ کیلومتر بود. روستاهایی که راه مناسبی نداشتند، در سایر پروژه‌های عمرانی نیز از اولویت خارج می‌شدند (امکانات توسعه صنعتی...، بی تا،

ص ۲۷). وزارت کشور در ۱۳۴۸/۷/۱۵ به وزارت دربار اعلام کرد که راه سقز-بانه به‌طور اساسی ساخته نشده‌است و مشخصات فنی و مهندسی آن با استاندارد راه‌های شوسه کشور مطابقت نمی‌کند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۱۰). در گزارش سازمان برنامه‌گردستان به استانداری در ۱۳۵۰/۵/۲۳ از اهم و اولویت کارها قبل از پیاده‌کردن هر طرح دیگر، احداث راه‌های فرعی ذکر شده‌است تا دهات را به جاده اصلی متصل کنند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). تا ۱۳۵۲ روستاهای نوار مرزی جاده ماشین‌رو نداشتند. وضعیت این راه‌ها به‌گونه‌ای بود که در بیشتر فصل زمستان، رفت‌وآمد بین دهات و شهرها در آن‌ها قطع می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). بسیاری از راه‌های منطقه، کوهستانی و صعب‌العبور بودند؛ بنابراین برای حمل‌ونقل از چهارپایان استفاده می‌شد. از آنجاکه مسیر سنندج-همدان می‌بایست از گردنه دشوارگذار صلوات‌آباد عبور می‌کرد و در این مسیر تونل‌ها و پل‌های زیادی ساخته می‌شد، همین موضوع موجب کندی عملیات راه‌سازی شده بود و نارضایتی مردم قروه را در سال ۱۳۵۲ به‌دنبال داشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). بین سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲، راه‌های فرعی روستایی زیادی در مریوان احداث شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰). باوجود رودخانه‌های پرآب، کمبود یا نبود پل مشکل مضاعف راه‌سازی در کردستان بود. در دوره رضاشاه چند پل ساخته شده بود (مشروح مذاکرات مجلس...، دوره ۱۸، ج ۱۵۷، ۱۳۳۴/۷/۱۶). ساخت پل بزرگ شهر سنندج که جاده کرمانشاه را به آذربایجان وصل می‌کرد در ۱۳۳۳ رو به پایان بود (مارجا کردستان، ۱۶۶۴۸). در سال ۱۳۳۸، بیشتر پل‌های راه سنندج-همدان، سنندج-مریوان و گردنه صلوات‌آباد نزدیک سنندج به همدان با اعتبار ۱۷/۵ میلیون ریال از محل پذیره نفت ساخته شدند (مارجا کردستان، ۸۳۰۶۲؛ مشروح مذاکرات مجلس...، دوره ۱۹، ج ۳۸۴، ۱۳۳۸/۱۲/۳). در منطقه بیجار و تکاب و دیوان‌دره در طول ۱۸۰ کیلومتری دو رودخانه قزل‌اوزن و پل‌کشی حداقل تا ۱۳۴۷، هیچ پلی وجود نداشت (مارجا کردستان، ۱۰۰۰۱۶۸۷۷). در سال ۱۳۵۲ راه سقز به میاندوآب و مهاباد، در امتداد شاه‌راه غرب، آسفالت شد؛ ولی هنوز راه سقز به بانه و سقز به مریوان شوسه بود و در زمستان به‌دلیل کولاک و برف معمولاً بسته می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳). در پایان برنامه چهارم توسعه عمرانی راه‌های ارتباطی اصلی استان کردستان هم‌چنان شوسه بود. مناطق مرزی و روستاها از جاده «ماشین‌رو» محروم بودند. در طول اجرای برنامه‌های توسعه عمرانی و اقتصادی، پل بزرگ شهر سنندج-کرمانشاه و پل‌های راه سنندج-همدان و سنندج-مریوان در سال ۱۳۳۸ و پل‌های ارتباطی شهرستان بیجار گروس به تکاب در آذربایجان غربی، و بیجار-دیوان‌دره در سال ۱۳۴۷ ساخته شدند. تا پایان برنامه چهارم عمرانی در سال ۱۳۵۲ در ساخت راه‌های ارتباطی شهرستان‌های استان کردستان با مرکز

استان و با استان‌های همسایه مثل زنجان، همدان، آذربایجان و کرمانشاه اقداماتی مؤثر در ساخت پل‌های ارتباطی انجام شد؛ ولی در زمینه راه روستایی و آسفالت جاده‌های اصلی اقداماتی چشم‌گیر انجام نشد.

۷. خیابان‌سازی، آسفالت و فضا سازی

شهر سنندج در طول سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ اهمیت خود را در مقام حاکم‌نشین منطقه از دست داد. در دوره رضاشاه، سنندج بخشی از استان پنجم (کرمانشاهان) بود. تا سال ۱۳۳۷ که سنندج به صورت مرکز استانی مستقل به اسم کردستان درآمد، شهرنشینی در آن ایستا بود؛ ولی از این دوره به بعد شهر از حالت ایستایی خارج شد و وارد مرحله شهرنشینی سریع شد. با اجرای اصلاحات ارضی، ساختار اجتماعی-اقتصادی سنندج همانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران دستخوش تغییراتی جدی شد؛ یعنی آهنگ رشد آن سریع و شتابان شد. هم‌چنین حاشیه‌نشینی بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ در سنندج نمایان‌تر شد. بیشتر شهرهای کردستان تا قبل از ۱۳۵۰، به شدت نیازمند خیابان‌سازی، آسفالت و فضا سازی بودند. تا این زمان اغلب کوچه‌های شهرهای کردستان آسفالت نبود، مانند شهر سقز و مریوان، و در برخی شهرها مثل بیجار گروس تا دهه چهل اثری از فضاهای شهری و خیابان‌کشی وجود نداشت و بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین بلوار آن در سال ۱۳۴۸ ش در زمان استانداری آقای رئوفی اجرا شد. شهرداری‌های شهرهای کردستان در دوره پهلوی دوم به دنبال آسفالت، جدول‌سازی، توسعه برق، ایجاد خیابان و ساخت میدان بودند (ساکما، ۱۳۳۳/۲۴۹۵/۹۱). تاریخ آسفالت خیابان‌های عمده شهر سنندج مربوط به ۱۳۳۳ است (ساکما، ۱۳۶۴۸/۵۶۱۲/۲۹۰). خیابان‌سازی در شهرهای کردستان اغلب کند پیش می‌رفت و موجب زحمت مردم می‌شد که گزارش نمونه‌ای از مشکلات ناشی از احداث خیابان در شهرستان بیجار گروس در روزنامه اطلاعات آمده است (روزنامه اطلاعات، ش ۸۸۷۵، مورخ ۱۳۳۴/۹/۱۵، ص ۷). اقدامات شهرداری سقز در سال ۱۳۴۸ عبارت بود از:

خاک‌ریزی، احداث خیابان، جدول‌بندی، نصب چراغ‌های گازی و لاک‌پشتی و بلواری، درخت‌کاری و گل‌کاری، بلوارسازی، موزاییک‌کاری دو طرف پیاده‌رو، و مجرا سازی خیابان سرلشکر ضرغام و محله مسجد (روزنامه اطلاعات، ش ۸۸۷۵، ۱۳۳۴/۹/۱۵). در گزارش محرمانه شهرداری استان کردستان در ۱۳۵۰/۱۰/۱۲، به نیاز مبرم شهر سنندج به احداث خیابان در نقاط مختلف شهر، تأکید شده است (ساکما، ۱۳۳۴/۹/۱۵).

هزینه آسفالت کوچه‌ها و خیابان‌ها زیاد بود و شهرداری‌های کردستان به‌ناچار از

دولت کمک می‌خواستند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). به‌علت محدودیت کمک‌های دولتی به شهرداری‌ها و زمان‌بر بودن آن، اجرای طرح‌های آسفالت با مشکل مواجه بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). شهربانی سقز به‌علت تسطیح آسفالت چند خیابان و چند کار عمرانی دیگر، در گزارشی به وزارت کشور در ۱۳۴۷ از شهردار تشکر کرد. سنندج حداقل تا ۱۳۵۰، به احداث خیابان‌های متعدد، آسفالت کوچه‌ها و خیابان‌ها و ترمیم آن‌ها نیاز مبرم داشت. اهم فعالیت‌های عمرانی شهرداری‌های مختلف کردستان در این قبیل موارد بود. در سال ۱۳۵۰ در بلوار ولیعهد مریوان، میدانی ساخته شد و پیکره رضاشاه روی آن نصب شد. این بلوار ۶۰ متر عرض، و ۲/۵ کیلومتر طول داشت. در یک طرف آن ۲۰ متر فضای سبز پیش‌بینی شده بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳).

با وجود اقدامات عمرانی هنوز مشکلات مردم پابرجا بود و این اقدامات به‌حدی اندک بود که کفاف شهرهای کوچک را نمی‌داد چه برسد به شهر بزرگی چون سنندج. آسفالت‌نبودن خیابان‌ها و کوچه‌ها موجب ناراحتی و گلایه مردم قروه شده بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲).

اکثر روستاهای استان کردستان فاقد آب لوله‌کشی سالم برای آشامیدن بودند و در شرق کردستان به‌علت شرایط جغرافیایی و کمبود بارش سالیانه آب جاری بسیار کم بود و سیمای بیشتر روستاها فاقد درخت بود (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۱۹). طرح تأسیس ایستگاه احیا و جنگل‌کاری در سنندج، در جلسه کمیته فرعی کشاورزی مطرح شد و نمایندگان انگلیس موافقت کردند که آقای «اندرسن» - کارشناس جنگل - را در اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۳ به کردستان بفرستند تا پس از مطالعه و تصویب پروژه از کمک‌های دولت انگلستان استفاده و ایستگاه نامبرده تأسیس شود (ساکما ۲۲۰/۱۴۷۱۹). در مریوان تا ۱۳۵۰، پارک شهر و پارک کودک، ساخته شد که یکی از آن‌ها استخر هم داشت؛ ولی صندلی برای نشستن نداشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). پارک ۲۵ هکتاری سقز، بزرگ‌ترین پارک شهرهای کردستان بود که برای آبیاری آن از دو حلقه چاه نیمه‌عمیق با موتورپمپ لیستر استفاده می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲).

۸. ساختمان‌سازی نوین شهری و روستایی

خانه‌های روستایی کردستان از دیرباز با خشت‌وگل یا سنگ و گل ساخته می‌شدند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳)؛ استحکام این ساختمان‌ها خیلی کم بود. از اوایل دهه چهل برخی از خانه‌های شهرهای آبادتر کردستان مثل سنندج، سقز و قروه به‌شیوه جدید و مبتنی بر رعایت حداقل اصول فنی و بهداشتی ساخته شدند؛ ولی در شهرهای کوچک‌تر مثل



مربوط و بانه اغلب ساختمان‌ها هنوز هم قدیمی و گلی بودند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). ساختمان‌سازی مدرن به مصالح جدید نیاز داشت که مهم‌ترین آن‌ها سیمان و آجر بودند که هر دو گران بودند و هزینه حمل آن‌ها از تهران یا تبریز به کردستان، قیمت‌ها را بالاتر می‌برد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۳۶۶)؛ به‌همین علت احداث کوره و کارخانه آجرپزی ضرورت پیدا کرد. سندج و سقز در سال ۱۳۴۳ مرکز تولید آجر در کردستان شدند (مکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان، بی‌تا، صص ۱۰۳-۱۰۴). یکی از مشکلات شهرهای کردستان، کمبود ساختمان‌های اداری و خدماتی بود. ساختمان زندان شهربانی سندج، حداقل تا اواخر ۱۳۴۲، در مجتمع استیجاری غیرمستحکم قرار داشت که دارالتأدیب، بازداشتگاه، زندان زنانه، حمام و آشپزخانه نداشت. به‌همین دلیل سرهنگ کمانگر-سرپرست شهربانی‌های استان کردستان- از ریاست سازمان عمران کردستان، چهار میلیون ریال بودجه برای ساخت زندان تقاضا کرد (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۱۹). گزارش روزنامه‌اطلاعات از زندان سندج در خرداد ۱۳۴۲ وضعیت مذکور را تأیید می‌کند. ساختمان فرمانداری سقز در سال ۱۳۴۸، استیجاری و متعلق به شهرداری بود که طبق قرارداد باید ماهیانه ۸۰۰ تومان پرداخت می‌شد؛ ولی به‌دلیل نبود اعتبار، هیچ مبلغی پرداخت نشده بود. ساختمان عمارت متعلق به فرمانداری به‌کندی در حال ساخت بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). ساختمان شهربانی و زندان سقز روی گورستان شهر بنا شدند. این گورستان به‌دستور شهرداری با بولدوزر تخریب شده بود و استخوان‌های روآمده مردگان، موجب ناراحتی اهالی شده بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). سندج حداقل تا ۱۳۴۷، هتلی مناسب برای پذیرایی از مقامات عالی‌رتبه نداشت. به‌همین دلیل استاندار کردستان در تاریخ ۴۷/۲/۳۱ به‌هنگام ورود دنیس رایت، سفیر ملکه انگلستان، و دکتر باخ، نماینده شورای فرهنگی بریتانیا مجبور شد در عمارت استانداری از آن‌ها پذیرایی کند. معروف‌ترین هتل استان کردستان در این زمان هتل رئوف بود که وضعیت مناسبی نداشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۹۹۵).

رشد شهرنشینی در ایران و به‌ویژه از دهه‌چهارم شمسی به‌بعد، تقاضا برای مسکن را چندبرابر کرد. در شهرهای کردستان این تقاضا به علت تعداد اندک ساختمان‌های مناسب، و حضور کارمندان غیربومی و گرانی مصالح، زیاد بود. در دوره محمدرضا شاه وضعیت مسکن در تمام شهرهای استان کردستان نامطلوب بود. مأموران دولتی این استان که اغلب غیربومی بودند به علت نبود مسکن مناسب و گرانی کرایه منزل به‌طور جدی در مضیقه بودند (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). به‌همین علت دولت ناگزیر شد زمین مرغوب با قیمت کم به آن‌ها واگذار کند تا کارکنان دولت بتوانند با استفاده از زمین ارزان‌قیمت برای خود خانه‌ای بسازند؛ ولی این کار به رونق ساخت‌وساز و حل مشکل مسکن کمک نمی‌کرد، زیرا

اغلب آن‌ها بعد از چند سال و پایان مأموریت کاری‌شان، زمین خود را به چندبرابر قیمت می‌فروختند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). شهردار سقز در سال ۱۳۴۸ نیم هکتار زمین به ارزش بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان را ازدست زمین‌خواران پس گرفت (ساکما ۹۱/۲۸۲۶/۲۹۳). روند روبه‌رشد قیمت زمین در شهرهای کردستان و نبود نظارت موجب شد تا مسئله زمین‌خواری خود را نشان دهد.

در گزارش محرمانه شهرداری استان کردستان در ۱۳۵۰/۱۰/۱۲ قید شده است: «وضع مسکن در سطح استان نامطلوب بوده و مردم و به‌ویژه کارمندان دولت از لحاظ نبودن مسکن و گرانی کرایه‌خانه شدیداً ناراحت هستند» (ساکما ۹۱/۵۶۱۲/۲۹۱). شهرداری مریوان تا ۱۳۵۰، زمین زیادی از مالکان خریداری شده و بعد از تغییر کاربری، به قیمت متری ۱۰ تا ۱۵ ریال به کارمندان به اقساط فروخته بود و سند آن‌ها را هم واگذار کرده بود؛ ولی تا آن زمان خانه‌ای در این زمین‌ها ساخته نشده بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). علاوه بر ساختمان‌سازی و واگذاری زمین به کارمندان، پرداخت وام به کارگران برای ساخت مسکن کارگری، و ساخت منازل سازمانی و شهرک‌سازی نیز دو راه دیگر وزارت مسکن و آبادانی برای بهبود وضعیت مسکن در استان کردستان از اوایل دهه پنجاه شمسی بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳؛ ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰). در شهر سقز که کرایه‌خانه از شهرهای دیگر استان بیشتر بود، در ۱۳۵۲ سیزده باب خانه سازمانی به کارمندان تحویل داده شد و عملیات ده ساختمان دیگر نیز آغاز شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳).

۹. بهداشت و درمان

بهداشت و درمان همواره یکی از محورهای اساسی مطرح در توسعه پایدار کشورهاست. داشتن جامعه‌ای سالم و پویا یکی از اولویت‌های مهم توسعه در هر کشور است. محیط سالم و پاکیزه در داخل و بیرون منزل موجب نشاط و پویایی افراد جامعه خواهد شد. بهداشت و سلامت با توسعه پایدار شهری ارتباطی تنگاتنگ دارند. اهمیت رعایت بهداشت محیطی، و نظافت عمومی و شخصی در توسعه پایدار شهری اصلی علمی است و توسعه بدون تأمین سلامت مردم دشوار و حتی غیرممکن است. یکی از مشکلات اساسی در این زمینه علاوه بر کمبود مراکز درمانی، نبود پزشکان متخصص در زمینه‌های مختلف بود.

۱۰.۹. بهداشت محیطی

شهرها و روستاهای کردستان در دهه سی و چهل به دلیل کمبود زیرساخت‌های بهداشتی و نیروی انسانی دوره‌ای دشوار را پشت سر گذاشتند. جمعیت رو به افزایش، نیازهای



درمانی را افزایش می‌داد. نبود حمام‌های عمومی در روستاها و منازل قبل از ۱۳۴۰، حتی نبود مکانی مناسب برای شست‌وشو در منازل شخصی، موجب وضعیت بد بهداشت محیطی در اغلب روستاهای کردستان شده بود. در روستاها همواره می‌شد انباشتی از پهن را در وسط قریه و مسیر آب چشمه‌ها دید که با جمع‌شدن آب، محل تولید میکروب می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). در خرداد ۱۳۴۲ سه مرکز ثابت تلقیح در بهداری‌های سقز، بیجار و قروه برای مبارزه با بیمارهای واگیردار دیفتی، کزاز، سیاه‌سرفه، حصبه و آبله افتتاح شد (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۹۶، ۱۳۴۲/۲/۳۰، ص ۱۰). طبق اسناد از ۳۳۰ روستای شهرستان سقز در ۱۳۴۸، تنها ۳ روستا حمام داشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). در ۱۳۵۲/۱۲/۱۲ قرارداد تکمیل ۸ باب حمام در روستاهای خوشه‌دره، کچل‌مگان، چوملو، عرب‌اوغلی، سرچشمه، گل‌تپه، کریم‌آباد، و مزره شهرستان سقز به مبلغ ۷۰۱،۸۸۰ ریال بین اداره کل آبادانی و مسکن کردستان و آقای محمدصالح سعیدی منعقد شد. قرارداد دیگری هم برای تکمیل ۱۰ باب حمام روستایی در شهرستان قروه به مبلغ ۷۸۹،۱۶۰ ریال در ۱۳۵۲/۱۲/۱۴ بین اداره کل آبادانی و مسکن کردستان و آقای ابراهیم مرادی بسته شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰).

در ساختمان‌سازی و شهرسازی در شهرها نیز اصول بهداشتی مثل کاشی‌کاری اماکن بهداشتی و فاضلاب‌سازی رعایت نمی‌شد. نانوایی‌ها و قصابی‌ها و قهوه‌خانه‌ها غیربهداشتی بودند. طبق آئین‌نامه کمک بلاعوض به انجمن‌های دهات، ۹ طرح عمرانی در جلسه ۱۳۴۳/۱۲/۱۳ در استانداری کردستان تصویب شد که چند طرح آن تأمین و بهداشتی کردن آب روستایی بود (ساکما، ۹۱/۲۹۷/۶۴۵). تا اواخر دهه چهل شمسی، اکثر نانوای کردستان، برای تخمیر و طبخ نان از آب حوض مساجد و دیگر جاها استفاده می‌کردند؛ هم‌چنین دیوار نانوایی‌ها کاشی‌کاری نبود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). کاشی‌کاری دکان‌های قصابی شهر سقز در ۱۳۴۸ انجام شد (ساکما، ۹۱/۲۹۷/۶۴۵). فاضلاب شهر سقز حداقل تا شهریور ۱۳۴۸، به‌صورت روباز به داخل رودخانه سقز رها می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲).

۲.۹. مسائل درمانی

مهم‌ترین نیاز استان کردستان در موضوع درمان، تأمین نیروی انسانی متخصص بود که به‌نسبت جمعیت استان اندک بود. شهرستان‌های استان کردستان حداقل تا اواخر دوره پهلوی به‌دلیل نبود پزشک متخصص و جراح دچار مضیقه بودند (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). در تیرماه ۱۳۳۴ از طرف سازمان برنامه پنج میلیون ریال برای تکمیل بیمارستان نیم‌سوخته



لشکر سنندج اختصاص یافت (روزنامه اطلاعات، ش ۸۷۱۶، تیر ۱۳۳۴، ص ۷). امان‌الله‌خان اردلان (حاج عزالممالک) - نماینده سنندج در مجلس هجدهم شورای ملی - خواستار حضور نخست‌وزیر برای پاسخ به معطل ماندن تکمیل بیمارستان نیم‌سوخته شد (مشروح مذاکرات مجلس...، دوره ۱۸، ج ۱۷۴، مورخ ۱۳۳۴/۹/۲). بیمارستان سنندج سال ۱۳۳۷ دستگاه عکاسی داشت، ولی دکتری که بتواند عکس برداری کند نداشت (مشروح مذاکرات مجلس...، دوره ۱۹، ج ۲۴۸، ۱۳۳۴/۹/۲۵). در گزارش روزنامه اطلاعات در ۱۳۴۱/۱۱/۷ قید شده است که پزشک متخصص و قابله در شهر سقز موجود نیست (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۰۹، ۱۳۴۱/۱۱/۷، ص ۷). بهداری قروه در سال ۱۳۴۱ تنها یک پزشک داشت که در روز حدود ۲۵۰ بیمار را معاینه می‌کرد (روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۸۳۳، ۱۳۴۱/۴/۶، ص ۱۴). نبود قابله تحصیل کرده در بیجار در سال ۱۳۴۲، موجب نگرانی بانوان حامله این شهر شده بود (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۳۸، ۱۳۴۲/۸/۱۶، ص ۱۰). هنگام بارش برف در زمستان و مسدود شدن راه‌های ارتباطی، روستاها با کمبود دارو و خدمات پزشکی مواجه بودند. اداره بهداری و سپاه بهداشت معمولاً در جاهایی درمانگاه ایجاد می‌کردند که از راه مناسب برخوردار بودند و روستاهای فاقد جاده مناسب از این امکانات محروم بودند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). در فصل زمستان به دلیل قطع یا محدودیت ارتباط روستا با شهر در استان کردستان، پیش‌بینی تأمین کالاهای مورد نیاز روستاییان و تجهیز اکیپ‌های بهداشتی به وسایل دارویی و امدادی ضرورت پیدا می‌کرد تا در صورت نیاز خدمات لازم به مردم عرضه شود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). سه بیمارستان شهناز پهلوی بیجار، ۲۵ تختخوابی مریوان، و ۲۵ تختخوابی بانه با حضور دکتر آموزگار - وزیر بهداری - در مرداد سال ۱۳۴۳ افتتاح شد (ایران نوین، ش ۲۹، ۱۳۴۳/۵/۲۰، ص ۴؛ ش ۳۱، ۱۳۴۳/۵/۲۲، ص ۴). تا سال ۱۳۴۸ از مجموع ۳۳۰ روستای شهرستان سقز، تنها سه روستای ترجان، چاغلرو، و سنته درمانگاه داشتند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). کشتارگاه سقز در سال ۱۳۴۸ و کلینیک دامپزشکی آن در سال ۱۳۵۲ افتتاح شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳).

شهرستان قروه تا سال ۱۳۵۲، بیمارستان، زایشگاه و درمانگاه داشت. بیمارستان قروه به‌عنوان مسیحی شناخته می‌شد و اتفاقاً در آنجا تبلیغ مسیحیت هم می‌شد. درمانگاه‌های دل‌بران و دهگلان پزشک نداشتند. در همین سال ۱۳۵۲ برای احداث ساختمان درمانگاه شیر و خورشید سرخ قروه و تأمین اعتبار برای احداث خانه پزشک آن هم اقدام شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). تا پایان برنامه چهارم توسعه اجتماعی و اقتصادی (۱۳۵۱ش)، در تمام کردستان ۳۴ پزشک متخصص و ۹۰ پزشک عمومی مشغول عرضه خدمات پزشکی بودند که ۸۵ درصد آن‌ها خارجی بودند. از ۱۸۰۰ روستای استان کردستان فقط در ۲۲



روستا خانه بهداشت تأسیس شد و ۱۷ مرکز بهداشت شهری هم به وجود آمد. هیچ‌گونه دانشکده یا دانشگاه پزشکی در کردستان به وجود نیامد. امکانات بهداشتی و خدمات پزشکی روستاها هم بسیار کمتر از شهرها بود (قدیمی، طیب، مصاحبه، ۱۳۹۳/۱۱/۲۱، خبرگزاری تسنیم).

۱۰. خدمات شهری و روستایی

۱۰.۱۰. آب آشامیدنی

آب آشامیدنی شهرهای کردستان تا دههٔ چهل از نظر بهداشتی و لوله‌کشی وضعیت قابل قبولی نداشت و مردم از این وضعیت بسیار ناراضی بودند؛ تاجایی که دغدغهٔ مردم بزرگ‌ترین شهر استان کردستان (سنندج) تأمین آب آشامیدنی سالم بود. در سال ۱۳۴۴ آب‌لوله‌کشی شهر سنندج از چاه تأمین می‌شد (ساکما، ۳۷۰/۹۵۰۱). آب بعد از خروج از چاه داخل منبع ذخیرهٔ روباز می‌ریخت؛ به همین علت با وجود کلریزه کردن روزانه، باز هم احتمال آلودگی آب وجود داشت (روزنامهٔ اطلاعات، ش ۱۱۲۸۱، ۱۳۴۲/۱۰/۱۳، ص ۱۰). آب آشامیدنی شهر سقز مشکلات خاص خود را داشت؛ زیرا آب شرب سقز از تصفیهٔ آب رودخانه به دست می‌آمد. آب رودخانهٔ ملقرنی بالوله‌کشی به منبع آب هدایت می‌شد و پس از تصفیهٔ فیزیکی و شیمیایی، برای شرب در لوله‌های شهر جاری می‌شد. یکی از مشکلات مربوط به آب آشامیدنی در شهرهای سردسیر کردستان مثل سقز، یخبندان در فصل زمستان و قطع آب لوله‌کشی بود؛ به گونه‌ای که شهربانی سقز در دی‌ماه ۱۳۵۱ مجبور شد آب مصرفی زندانیان را با آب کردن برف تأمین کند. این قبیل مشکلات موجب اعتراض مردم و نگرانی مسئولان بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۴۸). در اسفند ۱۳۵۲، هنوز مردم سقز از لحاظ آب آشامیدنی در مضیقه بودند و چون تجهیز چاه جدید نیز کفایت نمی‌کرد، بایستی دو حلقهٔ چاه دیگر حفر می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳). سال ۱۳۴۸ سیستم لوله‌کشی شهر سقز حدود ۴۰۰ انشعاب داشت که نه کفاف تقاضای شهروندان را می‌داد و نه ظرفیت انشعاب بیشتری داشت. فیلترهای این تأسیسات به دلیل استفادهٔ مداوم و در نتیجه مستعمل شدن، به هنگام بارندگی و سیل قادر نبودند آب را تصفیه کنند. در این زمان قیمت هر متر مکعب آب ۴ ریال بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). شهر قروه سال ۱۳۴۴، آب‌لوله‌کشی نداشت و مردم آن از آب چاه استفاده می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). آب آشامیدنی قروه تا اوایل دههٔ پنجاه، با دو موتورپمپ هریک به قدرت ۳۱ اسب بخار از چاه به شبکهٔ پمپاژ وارد می‌شد و مازاد آن در منبع ۳۰۰ مترمکعبی ذخیره می‌شد. اغلب خانه‌ها لوله‌کشی نداشتند و تا سال ۱۳۵۰ با احتساب شیرهای عمومی مساجد و غسلخانه‌ها ۷۵ انشعاب آب در شهر وجود داشت (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲).

تا سال ۱۳۴۹، مرحله اول لوله‌کشی شهر بانه تمام شده بود. تابستان ۱۳۴۹، بانه با کمبود آب مواجه بود و مسئولان وقت، چاره کار را حفر چاه نیمه‌عمیق دانستند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). ظرفیت منبع آب شهر مریوان در سال ۱۳۵۰، سیصد مترمکعب بود که برای نیاز شهر کافی نبود. به‌همین دلیل با پمپ آب را از دریاچه آریامهر (زریوار) به داخل شهر انتقال می‌دادند. علاوه‌براین، دو رشته قنات در شمال شهر و چاه‌هایی در جنوب احداث شد که آب آن‌ها با موتور به منبع آب که در قسمت مرتفع شهر قرار داشت، پمپاژ می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). آب آشامیدنی شهر مریوان به‌دلیل توسعه شهر در نیمه دوم سال ۱۳۵۱ دچار کمبود اساسی شد. اجاره قنات خصوصی هم چاره‌ساز نشد و در نهایت شهرداری یک حلقه چاه عمیق را در سه کیلومتری شهر از وزارت آب و برق خرید و به شبکه آب شهری وصل کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۱۰).

درحالی‌که شهرهای کردستان از لحاظ آب آشامیدنی مشکل جدی داشتند، بدیهی بود که در روستاها مشکل بیشتر باشد. طبق گزارش کارشناس دفتر برنامه‌ریزی سازمان برنامه استان کردستان (مرداد ۱۳۵۰)، اورمان تخت در شهرستان مریوان با بیشتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت چنان با مشکل بی‌آبی روبه‌رو بود که فقط چند نفر در قریه مشاهده شدند. در روستاهایی که چشمه آب در پایین دست روستا بود، امکان لوله‌کشی بدون پمپاژ نبود و این کار را پرهزینه می‌کرد. مشکل دیگر برای تأمین آب روستاها مالکیت خصوصی برخی از چاه‌های آب بود که برای مردم و دولت دردسر داشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳).

۲.۱۰. برق

سابقه تأمین برق در شهرهای کردستان به اوایل دهه سی شمسی برمی‌گردد. در این زمان تأمین آب و برق به درخواست اول مردم شهرهای کردستان تبدیل شد. در سال ۱۳۴۲ حق اشتراک برق در شهرهای استان کردستان پنج هزار ریال بود. قیمت برق هر کیلووات شش ریال بود. علاوه‌براین، هر مشترک باید ده ریال عوارض ماهانه هم پرداخت می‌کرد. این حق اشتراک و هزینه برق مصرفی نسبت به درآمد مردم بسیار زیاد بود و موجب نارضایتی مردم شد (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۹۶، ۱۳۴۲/۲/۳۰، ص ۱۰). در سال ۱۳۳۴، از طرف سازمان برنامه یک دستگاه کارخانه برق در بانه نصب شد (روزنامه اطلاعات، ش ۸۸۱۱، ۱۳۳۴/۷/۱۱، ص ۱۰)؛ ولی در سال ۱۳۴۶ حدود دوسوم مردم شهر هنوز برق نداشتند (روزنامه اطلاعات، ش ۱۲۳۶۹، ۱۳۴۶/۶/۷، ص ۱۵). در شهریورماه ۱۳۴۷ موتور برق ۴۰۰ کیلوواتی بانه در شرف اقدام بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۱۰). برق شهر بانه از چهار مولد برق به قدرت تقریبی شش صد و پنجاه کیلووات تأمین می‌شد که



یک مولد چهارصدکیلوواتی آن اوایل سال ۱۳۴۹ نصب شده بود، ولی شبکه انتقال شهر کیش انتقال این نیرو را نداشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). برق بانه در تابستان ۱۳۴۹، به علت خرابی سیم خیلی افت داشت. مدیرکل آبادانی و مسکن کردستان -ایرج مهاجر- در ۱۳۴۹/۴/۲۹، تعداد ۲۰۰ اصله تیر و ۱۰۰ تن سیمان برای انجام عملیات برق و بهسازی محیط و راه‌سازی بانه ارسال کرد. در این زمان از نظر اداری، برق بانه زیر نظر اداره برق سقز بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۶۰۱). شهر سقز در سال ۱۳۴۸، با وجود ۴ مولد برق به قدرت ۸۵۰ کیلووات، به خرید یک دستگاه مولد برق ۴۰۰ کیلوواتی هم نیاز داشت. وضع شبکه و چراغ‌های معابر و خیابان‌ها خوب بود. در سه نقطه شهر سه پست ترانسفورماتور به قدرت‌های ۵۰۰ و ۳۵۰ و ۲۵۰ کیلووات نصب شده بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). طبق اسناد، حداقل تا اسفند ۱۳۵۲، هنوز برق شهر سقز محدودیت داشت و موجب نارضایتی مردم بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳). قدرت برق شهر سنندج تا ۱۳۴۷، حدود ۲۵۰۰ کیلووات بود که با ساخت نیروگاه جدید و نصب دو مولد دیزلی ۱۲۰۰ کیلوواتی در همین سال، انتظار می‌رفت که به حدود ۵۰۰۰ کیلووات برسد؛ هزینه این طرح بالغ بر ۴۱/۲۹۴/۰۰۰ ریال پیش‌بینی شده بود؛ ولی این مبلغ برای اتمام طرح توسعه کلی برق سنندج کافی نبود و هزینه بیشتری صرف این کار شد و این طرح با مبلغ ۶۹/۱۱۷/۰۰۰ ریال به سرانجام رسید (ساکما، ۳۷۰/۹۵۰۱).

برق مریوان طبق اسناد حداقل تا ۱۳۵۰، فوق‌العاده ضعیف بود و در اکثر ساعات کار نمی‌کرد. کارشناس دفتر برنامه‌ریزی سازمان برنامه استان کردستان، در گزارش مأموریت کاری خود به مریوان در ۱۳۵۰/۵/۲۳، موتوربرق ۵۰۰ کیلوواتی را برای این شهر نیاز ضروری تشخیص داد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). وزارت آب و برق اوایل سال ۱۳۵۱ موتور درخواست شده را به مریوان فرستاد؛ ولی چون ساختمان آن آماده نبود، موتور بیشتر از هشت ماه در فضای آزاد و بدون هیچ‌گونه سرپوشی نگهداری شد. در گزارش فرمانداری احتمال خرابی مولد برق و وسایل آن آمده و پیش‌بینی شده است که به دلیل استهلاک مولدهای برق شهرداری احتمال خاموشی شهر می‌رود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۷۹۶). این پیش‌بینی محقق شد و کوچه‌ها و خیابان‌های مریوان شب‌ها روشنایی نداشتند. شهرداری مریوان، سال ۱۳۵۲، فروش امتیاز برق را محدود کرد که موجب نارضایتی مردم شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). قروه حداقل تا سال ۱۳۵۰، حدود ۶۰۰ انشعاب برق داشت. وضعیت برق شهر نامساعد بود و کفاف شهر را نمی‌داد. وضع روشنایی در شب به قدری خراب بود که بیشتر مردم از چراغ نفتی استفاده می‌کردند (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). مردم قروه در سال ۱۳۵۲، از نصب نشدن موتوربرق‌های جدید خریداری شده ناراضی بودند (ساکما،

۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). برق بیجار ۱۵ بهمن ۱۳۴۰ شبانه‌روزی شد (روزنامه‌اطلاعات، ش ۱۱۰۲۵، ۱۳۴۱/۱۱/۲۸، ص ۱۰). روستاهای کردستان هم‌چنان تا پایان دهه ۴۰ از برق محروم بودند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲).

۳.۱۰. تلفن و ارتباطات

در دهه سی شمسی اغلب تلگراف‌های شهرستان‌های استان کردستان زودتر از ده روز به مقصد نمی‌رسید (ساکما، ۲۳۰/۷۴۹۱). وضعیت تلفن تمام شهرهای کردستان بد بود. با وجود این که تقاضا برای اشتراک زیاد بود، ولی سرمایه‌گذاری دولت در این بخش سودده اصلاً کافی نبود. برای نمونه، گزارش وضعیت تلفن بیجار در ۱۳۳۴ به نقل از روزنامه‌اطلاعات خواندنی است (روزنامه‌اطلاعات، ش ۸۹۳۷، ۱۲/۱۲/۱۳۳۴، ص ۷). مردم سقز در ۱۳۴۶ از وضعیت تلفن شهر ناراضی بودند و شرایط را بدتر از ۱۳۲۰ توصیف می‌کردند. شبکه تلفن سقز در سال ۱۳۴۸، تعداد ۶۵۰ شماره داشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲، روزنامه‌اطلاعات، ش ۱۲۳۵۷، ۵/۲۴/۱۳۴۶، ص ۱). ارتباط تلفنی مریوان با سنندج حداقل تا ۱۳۵۲، اغلب قطع بود یا به‌علت تماس با سروآباد اشغال بود. استاندار کردستان در ۱۳۵۲/۲/۸ طی نامه‌ای محرمانه به ریاست اداره کل مخابرات استان کردستان خواستار شد تا ارتباط تلفنی مریوان-سروآباد با خط جداگانه انجام شود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). مرکز تلفن سه‌کانالی هیتاچی شهر قروه با یک کانال به‌طور اتوماتیک و بلافاصله با تمام شهرهایی که ماکروویو داشتند، ارتباط برقرار می‌کرد و از دو کانال دیگر با کمی تأخیر از طریق سنندج برای ارتباط با سایر شهرستان‌ها استفاده می‌کرد. مرکز تلفنی ۴۰۰ شماره‌ای نیز تا اواخر ۵۲ در شهر قروه آماده بهره‌برداری شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). تا ۱۳۴۲ ادارات پست، دستگاه‌های تلگراف، تلفن دولتی و بی‌سیم در سنندج، مریوان، بانه و سقز دایر بودند (امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان، بی‌تا، ص ۲۷). در سال ۱۳۴۸ ساختمان پست سروآباد مریوان مشغول به کار بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۶۰۱). خط هوایی سنندج-تهران فروردین ۱۳۴۰ افتتاح شد و سه‌شنبه‌ها برنامه پرواز به تهران داشت (روزنامه‌اطلاعات، ش ۱۰۴۶۹، ۱۳۴۰/۱/۱۵، ص ۱۴). براساس برنامه‌های توسعه عمرانی و اقتصادی و اجتماعی که از برنامه سوم می‌بایست همگام با اهداف انقلاب سفید اجرا می‌شدند، انتظار می‌رفت کردستان در زمینه ایجاد زیرساخت‌های صنعتی و خدماتی، بهداشت، درمان، راه، مخابرات، فضای شهری دچار تحولات بنیادین شود؛ ولی براساس اسناد معتبر، بیشتر شهرستان‌های استان کردستان تا پایان برنامه چهارم هنوز به‌طور کامل از نعمت برق برخوردار نبودند و بیشتر شهرستان‌های این استان در دهه ۵۰ برق‌دار شدند. روستاهای استان هم‌چنان از



«برق، مخابرات، راه، پست، تلفن، تلگراف، و حداقل استانداردهای زندگی» محروم بودند. تنها فرودگاه استان هم، در شهر سنندج تأسیس شده بود؛ ولی نیمه‌فعال بود.

۴.۱۰. اصناف

رشد شهرنشینی موجب شد تا در وضعیت اصناف تغییراتی پیدا شود. شهر، اصناف خود را به وجود می‌آورد؛ برای نمونه در دههٔ چهل شمسی اربابه جای خود را به تاکسی داد و رانندگی تاکسی به مشاغل شهرها اضافه شد. سرویس تاکسی‌رانی سقز در سال ۱۳۴۶ با شش دستگاه ماشین دایر شد و تا سال ۱۳۴۸ به هشت تاکسی افزایش پیدا کرد. لباس تاکسیرانان سنندج در سال ۱۳۴۶ متحدالشکل شد و رانندگان از کلاه مخصوص و علامت شناسایی رانندگی استفاده می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲؛ روزنامهٔ اطلاعات، ش ۱۲۲۴۲، ۱۳۴۶/۱/۱۲، ص ۱۱).

شغل اصلی مردم کردستان «کشاورزی و دامداری» بود که معمولاً بیشتر از نصف سال بی‌کار بودند؛ به‌همین علت صنایع دستی در کردستان به‌عنوان شغل دوم بازار گرمی داشت. واردات بی‌رویه و حمایت نکردن دولت موجب شد تا صنایع دستی در دههٔ چهل به‌سرعت رو به افول بگذارند. بافندگان قالی و جاجیم، و دوزندگان کفش نمونه‌هایی از این اصناف بودند (امکانات توسعهٔ صنعتی...، بی‌تا، صص ۱۶۷-۱۶۸). زمانی که شرایط جوی برای کشت و کار مناسب نبود، مردم کردستان دچار اضطراب و نگرانی می‌شدند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). شغلی که در دههٔ چهل، به‌سرعت رشد کرد نانوايي بود. مردم اغلب شهرهای کردستان ابتدا در خانه‌های خود نان می‌پختند و چند نانوايي هم در هر شهر بیشتر برای رفع نیاز مأموران دولتی و مسافران مشغول کار بودند. در برخی از شهرهای کردستان نان کیفیت نداشت. مردم بانه مجبور شدند چند نفر نانوا از سنندج و سقز بیاورند که تا حدودی به بهبود کیفیت نان این شهر کمک کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). نان اهالی سقز بیشتر از غلهٔ دهات تأمین می‌شد و در سال‌هایی که غله دچار آفت می‌شد، گندم مورد احتیاج از بیجار وارد می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). سقز در سال ۱۳۴۸، تعداد ۲۴ دکان نانوايي داشت که فروش هفتگی هر کدام، ۱۵۰ الی ۲۰۰ کیلو بود. این فروش کم، مشکل بزرگی برای نهاد نظارتی نانوايي‌ها در آن زمان یعنی شهرداری‌ها به‌وجود آورد؛ زیرا نانواها به‌دلیل فروش کم، به‌ناچار از کیفیت و کمیت نان می‌زدند و متعاقب آن شهرداری مجبور بود به‌دلیل کم‌فروشی آن‌ها را مورد پیگرد قرار دهد (روزنامهٔ اطلاعات، ش ۸۷۶۲، ۱۳۳۴/۶/۷، ص ۷). گزارش نمونه‌ای از اعتراض مردم سنندج به کیفیت کم نان در روزنامهٔ اطلاعات درج شده‌است (روزنامهٔ اطلاعات، ش ۸۷۶۲، ۱۳۳۴/۶/۷، ص ۷). در شهرهای

کردستان نان لواش و سنگک پخت می‌شد. نان لواش با پنجاه درصد آرد سفید، هر کیلو ۹/۵ ریال و نان سنگک هر کیلو ۷/۵ ریال بود (ساکما، ۲۸۲۲/۲۹۳/۹۱). مردم قروه نان موردنیاز خود را اغلب در خانه تهیه می‌کردند. تا ۱۳۵۰ تنها دو نانوایی در این شهر باز بودند که یکی سنگک و دیگری لواش می‌پخت. به دلیل پخت کم و در نتیجه قیمت زیاد، نان نسبت به درآمد کشاورزی منطقه گران بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). صنف دیگری که در شهرهای کردستان رونق گرفت قصابی بود. قبل از دههٔ چهل، بیشتر نیاز گوشت خانوارها را خود آن‌ها تأمین می‌کردند؛ ولی رشد شهرنشینی و تغییر در سبک زندگی، مردم شهرنشین را مجبور کرد تا دام‌ها را از شهرها خارج کنند. شهر سقز در سال ۱۳۴۸، تعداد ۲۰ باب دکان گوشت‌فروشی داشت. گوشت بااستخوان هر کیلو ۸ تومان و گوشت بدون استخوان هر کیلو ۱۰ تومان فروخته می‌شد (ساکما، ۲۸۲۲/۲۹۳/۹۱). در قروه، روزانه به‌طور متوسط ۱۰ الی ۱۱ رأس گوسفند شیشک نر کشتار می‌شد که بازرس بهداشت آن را مهر می‌کرد. گوشت اغلب با وسایل غیربهداشتی حمل می‌شد. در سال ۱۳۴۸ گوشت بااستخوان هر کیلو ۷/۵ تومان و بی‌استخوان ۹/۵ تومان بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲).

شهرستان‌های استان کردستان از لحاظ اقتصادی به تهران، همدان و سنندج وابسته بودند. کاسب‌کاران معمولاً اجناس خود را از این سه شهر تهیه می‌کردند. بیشتر روستاییان که در واقع تنها تولیدکنندگان شهرستان‌های کردستان بودند، کالاهای خود را در بازار بزرگ همدان عرضه می‌کردند. کمیسیون نظارت بر قیمت‌ها در ۱۳۵۲، باتوجه به فاکتورهای خرید و فروش تلاش می‌کرد از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند؛ ولی واقعیت بازار یا با این قیمت‌های دستوری انطباقی نداشت یا علاقه به کسب سود بیشتر، عمده‌فروشان را به این سمت برده بود که یا فاکتور فروش به مشتری تحویل ندهند و یا در صورت تحویل فاکتور، قیمت‌ها را در آن صوری و کمتر از مبلغ توافق‌شده بنویسند. گزارش سری فرمانداری قروه در ۱۳۵۲ از گرانی و روند افزایش قیمت‌ها و تأثیر آن در تشویش مردم حکایت دارد (ساکما، ۲۹۳/۹۶۱۸/۹۱). قیمت ارزاق عمومی مدام ترقی می‌کرد؛ در نتیجه شهرداری مریوان در سال ۱۳۵۲ تصمیم گرفت قیمت مایحتاج عمومی را کنترل و بر آن نظارت کند که در این کار موفق نشد. قند و شکر در انحصار دولت بود و به همین دلیل نحوهٔ توزیع آن خیلی اهمیت داشت. وقتی که اداره کل دارایی کردستان در ۱۳۳۲ تصمیم گرفت آقای فاضلیان - رئیس اداره دارایی سقز - را منتقل کند، رؤسای طوایف و ایلات آن‌جا مانند طایفه فیض‌الله‌بیگی، ایل خورخوره، ایل گورک، طایفه وکیلی و... به دلیل عملکرد عادلانهٔ او در زمینهٔ توزیع قند و شکر طی نامه‌ای به وزیر دارایی خواستار شدند که او در سقز باقی بماند (ساکما، ۲۳۰/۷۴۹۱). در نیمهٔ اول ۱۳۵۲ قند و شکر در سقز گران و احتکار شد. شرکت فرش بیجار به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله،



به بافنده‌های فرش پارچه و قند هدیه می‌داد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۶۵)

۱۱. نتیجه

استان کردستان به دلیل موقعیت مرزی و مسائل قومی جذابیت زیادی برای آثار پژوهشی دارد؛ ولی به دلیل همین ویژگی، بیشتر آثار علمی مربوط به آن در موضوعات سیاسی و نظامی منحصر شده و حوزه اجتماعی مغفول مانده است. مهم‌ترین بخش عمرانی در این استان، راه‌سازی بوده است. آنچه که در طول سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۲ طی پروژه‌های راه‌سازی محقق شد ناچیز بود. دلیل این ناکامی علاوه بر بودجه ناکافی، مدیریت ناکارآمد، و شرایط جغرافیایی نیز بود. تا ۱۳۳۲ در تمام استان حتی یک بیمارستان مناسب وجود نداشت. تا سال ۱۳۵۲، چندین بیمارستان در شهرهای مختلف کردستان ساخته شد؛ ولی نبود یا کمبود متخصص موجب شد تا مشکل درمانی در این استان تداوم داشته باشد. مسکن، آب، برق و تلفن در طول دهه سی و چهل در شهرهای کردستان رشد نسبی داشتند؛ ولی باین‌حال مسئله خدمات شهری در کردستان کاملاً حل نشد. آهنگ تحولات عمرانی و بهداشتی کردستان از میانگین کشور کندتر بود. تحولات محقق شده، با رشد جمعیت و رشد شهرنشینی در دیگر مناطق کشور تناسبی نداشت؛ به همین دلیل به لحاظ اقتصادی شهرهای پرجمعیت و فعالی در استان کردستان شکل نگرفتند؛ در حالی که شهرهای استان‌های همجوار (کرمانشاه و همدان) بیشتر رشد کردند.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):
۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲؛ ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۱۰؛ ۳۷۰/۹۵۰۱؛ ۲۹۰/۸۳۳۰؛ ۲۹۰/۵۶۱۲؛ ۲۳۰/۷۴۹۱؛ ۲۲۰/۱۴۷۱۹
۹۱/۲۹۳/۲۶۰۱؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۶۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳؛ ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۳۶۶؛ ۹۱/۲۹۳/۱۰۷۹۶
۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳؛ ۹۱/۲۹۷/۶۴۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۹۹۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۸۴۸؛ ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲؛ ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰
۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸؛ ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸
مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران (مارجا)، کردستان، شماره اسناد: ۱۶۶۴۸؛ ۸۳۰۶۲؛ ۱۰۰۰۱۶۸۷۷.

کتاب

احتشامی، منوچهر. (۱۳۸۱). *راه و راه‌سازی در ایران*. (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه آزاد.
امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان. (بی تا). (بی جا): سازمان برنامه.



پیشرفت‌های ایران در دوران برنامه عمرانی سوم. (۱۳۴۶). سازمان برنامه. دفتر اطلاعات و گزارش‌ها. جلائی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۷۲). *کردستان: علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی*، ۱۳۷۰-۱۳۷۰. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.

زکی، محمدمین. (۱۳۶۵). *کرد و کردستان*. (دفتر تحقیقات و بررسی‌های سیاسی استانداری کردستان، مترجم). (بی‌جا): (بی‌نا).

قزاق، رمزی. (۱۳۸۱). *تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی بر جنبش‌های سیاسی و فرهنگی کرد: از اواخر سده نوزدهم تا اواسط سده بیستم*. (مسعود ایزدی، مترجم). تهران: آزاداندیشان.

کلهر، محمد. (۱۳۸۳). *زمینه‌های تاریخی بحران سیاسی در کردستان (از مشروطیت تا پایان جنگ جهانی اول)*. تهران: آنا.

مقاله

علم، محمدرضا. (۱۳۹۳). «برنامه تجدد و نوسازی ایران در عصر رضاشاه پهلوی». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم شماره اول، بهار و تابستان ۹۳.

مختاری و دیگران. (۱۳۹۶). «دگرگونی‌های ساختاری شهر سنندج با تکیه بر ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش)». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، سال بیستم و هفتم، دفتر سوم، (پاییز ۱۳۹۶).

روزنامه و مجله

روزنامه *اطلاعات*، شماره‌های: ۸۷۱۶ (تیر ۱۳۳۴)؛ ۸۷۶۲ (۱۳۳۴/۶/۷)؛ ۸۸۱۱ (۱۳۳۴/۷/۱۱)؛ ۸۸۷۵ (۱۳۳۴/۹/۱۵)؛ ۸۹۳۷ (۱۳۳۴/۱۲/۱۲)؛ ۹۰۴۶۹ (۱۳۳۴/۱/۱۵)؛ ۱۰۸۳۳ (۱۳۴۰/۱/۶)؛ ۱۱۰۰۹ (۱۳۴۱/۱۱/۷)؛ ۱۱۰۲۵ (۱۳۴۱/۱۱/۲۸)؛ ۱۱۰۹۶ (۱۳۴۲/۲/۳۰)؛ ۱۱۲۳۸ (۱۳۴۲/۸/۱۶)؛ ۱۱۲۸۱ (۱۳۴۲/۱۰/۱۳)؛ ۱۲۲۴۲ (۱۳۴۶/۱/۱۲)؛ ۱۲۳۵۷ (۱۳۴۶/۵/۲۴)؛ ۱۲۳۶۹ (۱۳۴۶/۶/۷).

روزنامه *ایران نوین*، شماره‌های: ۲۹ (۱۳۴۳/۵/۲۰)؛ ۳۱ (۱۳۴۳/۵/۲۲).

لوح فشرده

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌های: ۱۸، ج ۱۵۷، مورخ ۱۳۳۴/۷/۱۶؛ ۱۸، ج ۱۷۴، مورخ ۱۳۳۴/۹/۲؛ ۱۹، ج ۲۱۳، مورخ ۱۳۳۷/۴/۱۰؛ ۱۹، ج ۲۴۸، مورخ ۱۳۳۴/۹/۲۵؛ ۱۹، ج ۳۸۴، مورخ ۱۳۳۸/۱۲/۳.

مصاحبه

قدیمی، طیب. (۱۳۹۲). گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم. ۱۳۹۲/۶/۲۱.



English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):

220/14719; 230/7491; 290/8330; 370/9501; 91/293/10110; 91/293/10122; 91/293/10796;
91/293/2366; 91/293/2495; 91/293/2553; 91/293/2565; 91/293/2601; 91/293/2790;
91/293/2822; 91/293/2848; 91/293/2995; 91/297/645; 91/293/9603; 91/293/9618;
91/293/9618.[Persian]

Markaz-e Asnād-e Riāsat-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Mārjā) (Office of Presidential Documents), Kordestān:

16648; 83062; 100016877. [Persian]

Books

Ehteshami, Manouchehr. (1381/2002). "*Rāh va rāh-sāzi dar Irān*" (Road and road construction in Iran) (vol. 1). Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Āzād.[Persian]

"*Emkānāt-e Towse'e-ye San'ati dar Kordestān va Kermānshāhān*" (Industrial development facilities in Kurdistan and Kermanshah). (n. d.). [n. p.]: Sāzmān-e Barnāmeḥ (Planning and Budget Organization).[Persian]

Ghazagh, Ramzi. (1381/2002). "*Tahlil-e tārixi va jāme'e-šenāsi bar jonbeš-hā-ye siāsi va farhangī-ye Kord: Az avāxer-e sade-ye nuzdahom tā avāset-e sade-ye bištom*" (Historical and sociological analysis of political and cultural movements: From the late nineteenth to the mid-twentieth century). Translated by Mas'oud Izadi. Tehran: ĀzādAndišān.[Persian]

Jalaeipour, Hamidreza. (1372/1993). "*Kordestān: Elal-e tadāvom-e bohrān-e ān pas az enqelāb-e eslāmi, 1358-1370*" (Kurdistan: Causes of the continuation of the crisis after the Islamic Revolution, 1979-1991). Tehran: Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ministry of Foreign Affairs), Mo'assese-ye ČāpvaEnteshārāt (Printing and Publishing Institute).[Persian]

Kalhor, Mohammad. (1383/2004). "*Zamine-hā-ye tārixi-ye bohrān-e siāsi dar Kordestān: Az mašrutiat tā pāyān-e jang-e jahāni-ye avval*" (Historical context



of the political crisis in Kurdistan: From constitutionalism to the end of World War I). Tehran: Ānā.[Persian]

“*Pišraft-hā-ye Irān dar dōvrān-e barnāme-ye ‘omrāni-ye sevvom’*” (Iran’s progress during the Third Development Plan). (1346/1967). Sāzmān-e Barnāme (Planning and Budget Organization), Dafter-e Ettlā’āt va Gozāreš-hā (Office of Information and Reports).[Persian]

Zaki, Mohammad Amin. (1365/1986). “*Kord va Kordestān*” (Kurd and Kurdistan). Translated by Daftar-e Tahqiqātva Barresi-hā-ye Ostān-dāri-ye Kordestān (Office of Political Research and Investigations of Kurdistan Governorate). [n. p.]: n. p.[Persian]

Articles

Alam, Mohammadreza. (1393/2014). “Barnāme-ye tajaddod va nowsāzi-ye Irān dar asr-e Rezāšāh-e Pahlavi” (The plan of modernization and renovation of Iran in Reza Shah Pahlavi era). Tahqiqāt-e Tārix-e Ejtemāee. Pažuhešgāh-e ‘Olum-e Ensāni va Motālē’āt-e Farhangī (Research Center of the Humanities and Cultural Studies), 4 (1), (1393 / 2014, Spring & Summer).[Persian]

Mokhtari et al. (1396/2017). “Degarguni-hā-ye sāxtāri-ye šahr-e Sanandaj bātekye bar vižegi-hā-ye ejtemāee-eqtēsādi (1320-1357)” (Socio-economic changes in Sanandaj between 1941-1979). *Ganjine-ye Asnād*, 27 (3), (1396 / 2017, Fall).[Persian]

Newspapers and Magazines

Ettlāāt newspaper, issue numbers: 8716 (1334, Tir/1955, July); 8762 (1334/6/7 – 1955/8/30); 8811 (1334/7/11 – 1955/10/4); 8875 (1334/9/15 – 1955/12/7); 8937 (1334/12/12 – 1956/3/3); 10469 (1340/1/15 – 1961/4/4); 10833 (1341/4/6 – 1962/6/27); 11009 (1341/11/7 – 1963/1/27); 11025 (1341/11/28 – 1963/2/17); 11096 (1342/2/30 – 1963/5/21); 11238 (1342/8/16 – 1963/11/8); 11281 (1342/10/13 – 1964/1/4); 12242 (1346/1/12 – 1967/4/1); 12357 (1346/5/24 – 1967/8/15); 12369 (1346/6/7 – 1967/6/29).[Persian]



Irān-e Novin newspaper, issue numbers: 29 (1343/5/20 – 1964/8/11); 31 (1343/5/22 – 1964/8/13).[Persian]

CDs (Compact Discs)

Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), terms: 18, session 157 (1334/7/16 – 1955/10/9); 18, session 174 (1334/9/2 – 1955/11/24); 19, session 213 (1337/4/10 – 1958/7/1); 19, session 248 (1334/9/25 – 1955/12/17); 19, session 384 (1338/12/3 – 1960/2/23).[Persian]

Interviews

Ghadimi, Tayyeb. (1392/2013). “Goftegu bā xabar-gozāri-ye Tasnim” (Interview with Tasnim News Agency). 1392/6/21 – 2013/9/12.[Persian]

